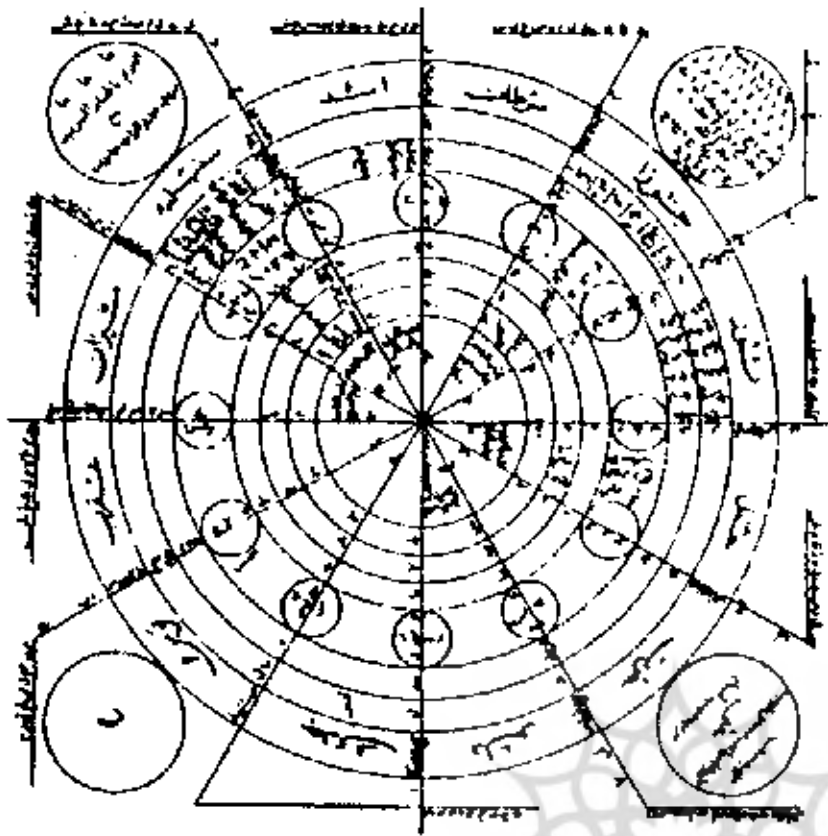


پیشگویی مدت سلطنت ناصرالدین شاه

علی کریمیان



که یک در زایچه وقت و حکم از روی آن دور قمی از نخستین (رحل) در تاریخ که شرح داده می‌شود و از اختیار متفرقه کتب اسلامی، معلوم می‌شود که در دوره ساسانی نه تنها زایچه طالع جلوس هر پادشاهی را منحصر به دفع تعیین نموده و بلکه آن را در خزانه اساده دوش هم ضبط می‌کرده‌اند. ۳۳ در دره‌های معدین بین زایچه جلوس و ناچکد ری درج شده، اما در باره تولد و به تحت تسلط ناصرالدین شاه و زایچه او که مورد بحث مقاله می‌باشد، محمدحسن خان اعتمادالسلطنه در کتاب «المآثر و الآثار» می‌نویسد: تولد ناصرالدین شاه در شب یکشنبه ششم هلالی شهر جماد الثانی سنه ۱۲۲۷ قمری ناقصه هجریه عقبه آلاف الشاه و التجبه مضایق هفدهم ژوئیه سنه ۱۸۴۱ م. ناقصه میلادی مقدار چهار ساعت و یک ربع از شب مسطور گذشته به افق قریه کهنیم که از قری و مضافات تبریز است و به خط مستقیم هندسی تقریباً مقدار یک فرسخ و نیم در جانب جنوب تبریز و به حسب مسافات در چهار فرسخی آن واقع شده و طول مدارش شرقی آن از جراتو خاندات ۶۴ درجه و ۴۲ دقیقه و عرض آن از خط سواسی و هشت درجه و پنج دقیقه است.

چون مسافت مابین موضع ولادت با سعادت و تبریز بر حسب بعد چندان محسوس نیست منجمین این دولت جاوید این همان قانون دارالسلطنه تبریز را ملاحظه کرده استخراج طالع ولادت با سعادت زایه افق شهر تبریز نموده‌اند و طالع ولادت با سعادت بر حسب زایچه جدید محمدشاه هندی بصورتی است که در ذیل ثبت و تحریر یافته،

آنچه در ابتدای زندگی بشر تا تکوین اجرام سماوی آغاز شد، بروز به صورت علمی شکوفا و مفید در آمده است، لیکن در این عقیده که حرکات این اجسام می‌تواند بر زندگی بشر مآثر گذارد همواره تخیلی حاصل نشده است، البته اعلام دوازده گانه ستاره خورشید خانه می‌شود و در غالب پیشگویی‌های مبتنی بر رصد ستاره‌ها سعی در این است، تا این احساس را به انسان القاء نکند که خواندن علانم مزبور ساده است، اما کسب اطلاعات دقیق و معنی‌دار از این علانم مستلزم تحقیق و رعایت جزئیات دقیق تر خواهد بود (۱) و برقی نشان دادن مواضع ستارگان در فلک از زایچه که لوحه‌ای مربع یا دایره وارست استفاده می‌شود، تالیفی است. آوردن حکم اطلاق امولد ولادت، زایش او و چیه‌های دیگر به آن سگرتند در علم نجوم شخصی که دارای دوازده خانه است و از آن حالات ماه و سال مولود استخراج می‌شود، به این شکل که منجم در اول ماه یا سال یا تولد یا حادثه طالع وقت را می‌بیند چه برجی است و آن را در خانه اول قرار داده، بیا زده برج دیگر را در یازده خانه دیگر نوشته هر کوکب سیار در هر برجی باشد در خانه آن ثبت کرده و با اصول علم نجوم از آن استخراج می‌کند (۲). در کتاب گاه شماری تقی زاده آمده است: از جمله مسائل نجومی ظاهراً طالع بینی یا زایچه و احکام آن در ایران قدیم رواج کامل داشته و برای هر امر حادث، زایچه‌ای ترتیب داده و استخراج احکام می‌نمودند، چنانکه در کتابنامه اردشیر در حکایت فرار او از دربار اردوان دو بار مراجعه منجم بزرگ (اخترماران سالار یعنی منجم باسی) به مواقع

«اللهم ابد عیثه وابد حیثه»

اعلاء اعلام اسلام و ترویج سنت میرالمومنین علیه السلام کارهای بزرگ توانند کردن که به یک هست بلند ملت و دولت خود را بزرگ کنند و خویشانش را به نیکنامی سمر گرداند و نفس خود را به فخر اید و لذت جاوید رساند و ایرانیان را از مذلت بی ترتیبی برهاند...

در صفحه ۸۲ نیز نوشته: «... الهی پادشاه ما را محبت رسول و آل ده و پسر و قبال سلطنت جهان و هشت سال ده و مسنکت رایه کم شاه دار و سنطت در اولاد و حضرتش نگاهدار و السلام خیر ختام (۶)» و اما یکی دیگر از کسانی که مدت سلطنت ناصرالدین شاه را پیشگویی

کرده، میرزا محمد ولی قاجار (۷) سومین پسر فتحعلی شاه (۸) است. در آن زمان در میان مردم شهر مدیانت که او از مغیبت خبر می دهد (۹) وی در

سال ۱۲۸۱ ق طی نامه به ناصرالدین شاه - که متن کامل در این مقاله خواهد آمد در این باره می نویسد: «... از طول عمر و طول

سلطنت عرض رفته بود به خاکپای مبارک عرش کرده که منجمین سابقین در طابع حلوس سلاطین عرض ها

کرده اند. در دولتهای گذشته و مدتها معین کرده اند... اکنون فراغتی از ناخوشی دست داده مکرر رجوع

کردم از کتب و قواعد منجمین سابقین آنچه فهمیده ام... به فضل خداوند بعد از این تاریخ که سه یک

هزار و دو بیست و هشتاد یک است: چهل و نه سال و هفت ماه و چند روزی سلطنت زیب قامت مبارک

می باشد... و در آخر نامه مجدداً بر مدت سلطنت تأکید می کند و می نویسد:

«... در این مدت چهل و نه سال و هفت ماه بر سریر سلطنت، با سلامتی و قوت و شوکت و عزت و غلبه بر

عصم ممکن و برقرار خواهد بود (۱۰)»... ناصرالدین شاه در روز ۲۳ ذی قعدة ۱۲۶۴ ق. در تهران تاجگذاری کرده بود، بنابراین روز ۲۳ ذی قعدة

۱۳۱۳ ق. اولین روز پنجاهمین سال سلطنتش می شد. از زمان این سال مذاکراتی پیرامون برنامه این جشن پنجاهمین سال

سلطنتش شنیده می شد و هر قدر به ماه ذی قعدة نزدیکتر می شد، جزئیات آن بیشتر در افواه متسر می گشت. از روز شنبه ۱۸ ذی قعدة این جشن ها شروع و در روز جمعه ۲۴ همین ماه می بایست پایان می یافت. ادارات

دولتی مشغول تدارک مقدماتی آذین بندی سبزه های عسارت خود بودند و مقرر شده بود تمام دکاهای بازار و خیابان ها با چمنچراغ و جار و لاله و لامپ و آیین و کن و سبزه تزیین شود. در روز جمعه ۱۷ ذی قعدة ناصرالدین

و در مورد جلوس ناصرالدین شاه می نویسد: در شب یکشنبه ۱۸ اهلای شهر شوال المکرم سنه ۱۲۶۴ ق. ناقصه هجریه مطابق ۱۷ ماه سپتامبر ۱۸۴۸ م. به حق دار سلطنته تبریز مقدار بیست دقیقه تمام از غروب نصف قرص

افق شب منظور گذشته بر حسب تعیین و تشخیص ساعت سعدی که منجمین دیده و به عرض رسانیده اند سپس در سپتامبر سال ۱۸۸۸ م. که تقریباً موافق است با اوایل سنه ۱۳۱۶ هجری که سال مالیف این کتاب

منتظاب می باشد، چهل سال شمسی از دوران ابدیتیان گذشته خواهد بود و صورت زایچه وقت جنوس بر وجهی است که در ذیل ثبت و ضبط گردیده. «اللهم خلد سنکه و

اخر فی بحار السماده فلکه (۳)» پس وسائل حرکت شاه جوان به سعی میرزا تقی خان امیر نظام فراهم شد و از تبریز به تهران آمده او در ۲۳ ذی قعدة ۱۲۶۴ ق.

در سن هفده سال و چند ماهگی بر تخت سلطنت نشست. و امیر نظام به لقب «ابابک اعظم» به منصب

صدار ارت منصوب شد (۵). و همانطور که زایچه توند و جلوس ناصرالدین شاه توضیح

داده شد: پیشگویی های نیز درباره مدت سلطنت ناصرالدین شاه نیز وجود دارد، که یکی از آنها در

مجموعه کتب خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی جزوه کوچکی در هشتاد و دو صفحه و

به نظم رسمی که در سال یازدهم سلطنت ناصرالدین شاه نوشته شده و

بنام «سیدست و اداره امور» نامیده شده است و آن دستوری در زمینه اداره

امور مملکت و قوانین موضوعه که در صفحات ۲۵ و ۸۳ آن مدت سلطنت ناصرالدین شاه را پیشگویی کرده است.

کتاب به خط نستعلیق و نویسنده خط و کتاب نیز معلوم نیست و در ذیل، مطالبی را که در صفحات آن

ذکر شده آمده است نقل می کنیم: «... الحمد لله که در میان جوانی و عنوان سپاه و معتقدین از باب تعجیم و متعویب صناعت احکام از

روی شخصی در ست حضرتش را سلطنت چهل و هشت سال اشد کند و انشاء الله تعالی از عمر و اقبال و اولاد بر جوردار خواهند بود و امروز که یازده سال از سلطنت سینه اش گذشته هور قدم از سن عمده دوم به

عقد سیم اندر نهشته و در مدت سی و هفت سال که بعد از این با حضرتش خواهد بود به راهماتی ایاز و مساعدت باید دی تجلات در



شاه قصد زیارت حضرت عبدالعظیم (ع) کرد (۱۱).

عبدالحمین اورنگ (۱۲) درباره وقایع روز جمعه و کشته شدن ناصرالدین شاه و طالع گرفتن وی در روز قبل به نقل از تاج الدوله (جده معیرالممالک و زن ناصرالدین شاه) نقل می کند، که ایشان گفتند: صبح روز جمعه (۱۳) ذی قعدة (۱۳۱۳) هجری قمری میان اطاق خود در اندرون شاه نشسته بودم و چند نفر زن زودوز از کلبی و مسلحان نشسته بودند و سرداری یعنی جامه شاه را برای شب جشن قرنش که جنس آن ماهوت سیاه بود و جلوسه و اطراف بقه و سرآستین هایش را با نشانه گل و بته طراحی کرده بودند در حضور من روی طرح طراحیها جواهر می دوختند و جمیع جواهر جلوی من بود، سفره سفیدی میان اطاق گسترده جامه شاه روی آن و هر طرفش در دست یکی، و هر یک از آنها که به جواهری محتاج بود از من می خواست و من جواهر طرف احتیاج را می دادم و می دوختند. ناگهان مقداری خاک روی جامه شاه و سفره ریخت، همه متوحش شدیم. سرها را بلند کردیم دیدیم شاه از میان حیاط با صدای بلند می خندد و می گوید تاجی تو را سخت مشغول دیدم از خاک باغچه برداشته ریختم که تو ترسی و بعد شاه گفت تاجی امروز خیلی خوشحالم چه زایچه طالع مرا که دیده اند پنجشنبه دیروز را برای من قرآن نحصن معین کرده اند که اگر از آن نحوست به سلامت گذشتم پنجاه سال دیگر سلطنت خواهم کرد. الحمدلله ما دیروز را به سلامت بسر آوردیم و امروز به شکرانه آن به زیارت حضرت عبدالعظیم می رویم، (۱۳)....

اما همانطور که گفته شد ناصرالدین شاه صبح همان روز (۱۴ ذی قعدة) به قصد زیارت حضرت عبدالعظیم از تهران حرکت کرد، در حدود یک ساعت به ظهر مانده به همراه امین السلطان - صدر اعظم - و عده ای از عمه جات درباری که در خدمت شاه بودند به حرم وارد شدند. معمولا رسم بر این بود هر وقت شاه به زیارت می رفت، حرم را قرق می کردند که اشخاص متفرقه وارد نشوند، در این روز شاه سفارش کرده بود متعرض کسی نباشند و خود در میان مردم مشغول زیارت خواندن شد بعد از زیارت حضرت عبدالعظیم مراجعت کرد و مقابل ضریح ایستاد که باز هم دعا بخواند، در همین حین صدای طیانچه ای سکوت را شکست و گلوله میرزا رضا کورمانی، شاه را از پای در آورد (۱۵). و میرزا علی اصغر خان صدر اعظم یا کمال چایکی چنانکه کسی ندانست که شاه کشته شده، جنازه را به تهران حمل کرد (۱۶).

سیس در روز شنبه ۱۸ ذی قعدة جنازه شاه را به تکیه دولت که در طرف جنوب باغ شاهی واقع است، از شب گذشته به امر صدر اعظم در طاقسای بزرگ تکیه که از طرف جنوب و قبله تکیه واقع است، روی نختی که از سنگ مرمر سفیدی که روی نوزده پایه از سنگ مرمر قرار دارد قبری ساخته بودند گذاشتند و پس از آن به پیشمازی امام جمعه (امام ناصرالدین شاه) نماز گزارده و به امانت در آن جایه خاک سپرده شد (۱۷).

بعد از یکسال جنازه وی را در روز پنجشنبه ۱۹ شهر ذی قعدة با تشریفات زیاد به حضرت عبدالعظیم حمل و به خاک سپرده شد (۱۸).

[مسوده سند]

مر

قربان خاکپای مبارک جواهرآسایت کردم

در ده شهر محرم الحرام در خاکپای مبارک از طول عمر دعای گوی فدییم دولت حاجی محمد ولی قاجار و طول سلطنت عرض رفته بود به خاکپای مبارک عرض کرده که منجمین سابقین در طالع جلوس ملاطین عرض ها کرده اند در دولتهای گذشته و مدتها معین کرده اند. چون این عرض به خاکپای مبارک شده بود با این که حقیر سالها می باشد که به هیچ قسم در این امر دقتی نکرده بودم چون رای مبارک شاهنشاه عجم را ملاحظه کرده رجوع نمودم و دقت کردم و عرض او به سبب گرفتاری ناخوشی به حضور مبارک تعویق افتاد اکنون که اندکی فراغت از ناخوشی دست داده مکرر رجوع کردم از کتب و قواعد منجمین سابقین آنچه فهمیده ام این است که به خاکپای مبارک عرض می شود بدون ملاحظه خیالی این دعا گو چنین فهمیدم که به فضل خداوند بعد از این تاریخ که سه یک هزار و دریست و هشتاد و یک است چهل و نه سال و هفت ماه و چند روزی سلطنت زیب قامت مبارک می باشد. به فضل خداوند عالم و مرحمت جناب رسالت مآب حضرت سیدالشرف و ائمه اثنا عشر صلوات الله علیه و علیهم اجمعین انشاء الله در این مدت چهل و نه سال و هفت ماه بر سر سلطنت با سلطنتی وقوت و شوکت و عزت و غلبه بر خصم ممکن و برقرار خواهد بود. باقی جانم به قربان خاکپای مبارکت.

عیده محمد ولی

پس نوشت ها:

۱. فیلیپ وارینگ، فرهنگ خرافات (عجیب ترین خرافات مردم جهان)، ترجمه و گردآوری مهتدی احمد سجازان، تهران، ناشر مترجم، ۱۳۷۱ ش، ص ۳۷.
۲. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، جلد هشتم، تهران، ناشر موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۳ ش، چاپ اول از دوره جدید، ص ۱۱۰۹۶.
۳. همان، ص ۱۱۰۹۶.
۴. محمد حسن خان اعتمادالسلطنه، چهل سال تاریخ ایران در دوره پادشاهی ناصرالدین شاه، جلد اول المآثر و الآثار، به کوشش ایرج افشار، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۶۳ ش، ص ۳۶.
۵. مستوفی، عبدالله، شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه، جلد اول، تهران، انتشارات زوار، ۱۳۷۱ ش، چاپ سوم، ص ۶۵.
۶. وحیدنیه سیم، الله، پیشگویی عدت سلطنت ناصرالدین شاه، و حید، سال هفتم، شماره پنجم، اردیبهشت ۱۳۴۹ ش، ص ۵۹۵.
۷. محمدولی میرزا سومین پسر فتحعلی شاه در روز جمعه اول شوال ۱۲۰۳. ق در قضیه نوا متولد شد و در سن یازده سالگی به حکومت سمنان و در سال ۱۲۱۸ ق. در

سن هیجده سالگی به حکومت خراسان منصوب شد وی در ایام به سرداری حسین خان سردار قاجار قزوینی از تر آنکه که به حدود خراسان تخطی و تجاوز می کردند جلوگیری و آنان را سرکوب کرد. از حوادث و وقایع مهم زمان ایالت محمدولی میرزا در خراسان، آمدن فیروزالدین میرزا حاکم هرات به اتفاق صوفی اسلام - از مشایخ بزرگ فرقه نقشبندیه - به تحریک بیگانگان به سمت مشهد است، آنان به خیال خود قصد اشغال آن توأسی را داشتند. از این رو فیروزالدین در سال ۱۲۲۲ ق. برای گرفتن خراسان با لشکری زیاده از پنجاه هزار نفر از هرات به سمت مشهد حرکت کرد. اما در این هنگام محمدولی میرزا و محمدخان قاجار دو نوسر دار خراسان پیشدستی کرده به سمت هرات حرکت کردند، و قبل از این که فیروزالدین دست به اقدامی بزند، محمدولی با لشکر مجبوری خود راه شکیان - ۳۶ کیلومتری هرات - رسانید و در محل قریه شاده جنگ بین دو سپاه در گرفت. در این جنگ صوفی اسلام کشته شد و فیروزالدین با دادن شش هزار کشته و هشت هزار اسیر شکست خورده و فراری شد.

در سال ۱۲۲۳ ق. ترکمن های تکه به دست خواران یعنی: نساو ایبورد هجوم آوردند و محمدولی میرزا به اتفاق سرکردگان خراسان به آن صفحات رفت و به اندک مدتی تکه ها را شکست داد. وی در بهار سال ۱۲۲۶ ق. برای گوشمالی کامران میرزا والی هرات عازم آن شهر شد و پس از بازگرداندن آرامش به آن شهر به مشهد باز گشت.

در سال ۱۲۲۸ ق. خوابه کاشغر پسر محمدامین خوابه ابن الشس یوسف شروع به خودسری کرد و با قریان قلیج ترکمن که مریدان بود هم پیمان شده، رهسپار دشت ترکمان شد و در آن جا از طایفه یموت و گوگلان دور او جمع شدند، و فتحعلی شاه ذوالفقارخان سردار، محمدولی میرزا و محمدقلی میرزا حکمران طبرستان را برای سرکوبی آنان مامور کرد که در این جنگ سپاه خوابه کاشغر شکست خورد. در این زمان خوانین خراسان یا هم متفق شده به مخالفت با محمدولی میرزا پرداختند و کینه به حدی رسید که تصمیم به قتل وی گرفته شد.

در همین سال (۱۲۲۹ ق) اسمعیل خان دامغانی به سمت (فرماندهی لشکر خراسان تعیین و محمدولی میرزایه تهران فراخوانده شد و در نظر بود که به جای وی حسنعلی میرزا (شیخالدوله) پسر دیگر فتحعلی شاه به ایالت خراسان منصوب شود اما بعد شاه نظر به ملاحظاتی چند از تصمیم و قصد خود منصرف شده و دوباره محمدولی میرزا را به ایالت خراسان روانه کرد. که در سال ۱۲۳۰ ق.

دوباره خوانین خراسان به مخالفت با محمدولی میرزا پرداختند، اسمعیل خان سردار دامغانی بار دیگر مامور سرکوبی آنان گردید و او پس از جنگ سختی با خوانین؛ فوجان را محاصره و سرانجام خوانین به اطاعت درآمدند. اما اسحاق خان در سال ۱۲۳۱ ق. معمم گردید که هر طور شده شاهزاده

محمدولی میرزا را از حکومت خراسان برکنار نموده و دیگری را به جای وی منصوب نماید، که سپس اسحاق و پسرش به دستور شاهزاده کشته شدند و به جای این که خوانین خراسان ترسیده و از والی تمکین نمایند، از هر سمت شورش های در آن منطقه به راه افتاد در این هنگام شاه ناگزیر محمدولی میرزا را مأمور و حسنعلی میرزا را به ایالت خراسان منصوب کرد. محمدولی از سال ۱۲۳۲ ق. که عزل شده مدت چهار سال در دیار مشغول به کار شد. سرانجام در سال ۱۲۳۸ ق. به حکومت پرد-منسوب و حکومتش تا سال ۱۲۴۳ ق. ادامه داشت پس از آن در سال ۱۲۷۹ ق. به عضویت دارالشورای کبری منصوب شد. و عاقبت در سال ۱۲۸۱ ق. در تهران

در گذشت.

یامداد، مهدی: شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ هجری، جلد چهارم، تهران، انتشارات زوار، ۱۳۷۱ ش، چاپ چهارم، ص ۳۲-۳۳. و علیقلی میرزا اعضادالدوله: اکبر التواریخ، به اهتمام جمشید کیاقتی، تهران، انتشارات ریسمن، ۱۳۷۰ ش. ص ۱۱۵، ۱۲۰، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۶، ۱۲۹، ۱۳۳، ۱۳۹، ۱۴۹، ۱۵۹، ۱۶۰. و احمد میرزا اعضادالدوله (شاهزاده) تاریخ عضدی، با توضیحات و اضافات عبدالحمین بولبی، تهران، انتشارات بابک، ۱۳۳۵ ص ۲۲۸

- ۸- مهدی یامداد نوشته چهارمین پسر فتحعلی شاه. یامداد، مهدی: همان، ص ۳۶
- ۹- احمد میرزا اعضادالدوله، همان، ص ۱۲۹. یامداد، مهدی: همان، ص ۳۲۰
- ۱۰- سازمان اسناد ملی ایران، شماره سند ۵۳۷۰، ۲۹۵۰، شماره نیش ۱۰۶۱۰۸۶ محل در آرشید ۲۹۶ ب الف ۴ وا
- ۱۱- مستوفی، عبدالله، همان، ص ۵۳۳

۱۲- عبدالحمین اورنگ (شیخ الملک) فرزند آقا شیخ عبدالرئوف مازندرانی (فروردی) در سال ۱۳۰۵ قمری در تهران به دنیا آمد و پس از انجام تحصیلات در سال ۱۳۲۹ قمری به خدمت دولت وارد شد، و در سمت های ذیل بارزسی عدلیه گیلان - رئیس بلدیه تهران - رئیس عدلیه گلپایگان و خوانسار - رئیس عدلیه قومان - رئیس عدلیه آراک و ملایر و نهاوند - رئیس محکمه جنحه تهران - رئیس استیضاف غرب مدعی العموم استیضاف تهران، رئیس استیضاف شرق - مستشار حقوقی وزارت دارایی - مدعی العموم محاکمات دولتی - و در فاصله بین دوره محاربه و پانزدهم مجلس شورای ملی به سمت معاونت مدعی العموم دیوان عالی کشور بود. همچنین در دوره های هفتم نماینده نومن، دوره هشتم تا سیزدهم نماینده همدان، از دوره پانزدهم تا آخر دوره نوزدهم نماینده بیجار و گروس در مجلس شورای ملی بود. شایان، عباس، مازندرانی (شرح حال رجال معاصر)، جلد دوم، تهران: چاپخانه ایران، ۱۳۲۷ ش، ص ۵۵-۵۶

۱۳- در خاطرات عبدالحمین اورنگ روز جمعه ۱۳ ذیحجه نوشته شده، اورنگ، عبدالحمین: تلگراف اتاییک به مظفرالدین شاه بعد از قتل ناصرالدین شاه، بیضا، سال پنجم، شماره ۸ (آبان ۱۳۳۱ ش)، ص ۳۶۹

۱۴- همان، ص ۳۶۹

- ۱۵- مستوفی، عبدالله، همان، ص ۵۳۳
- ۱۶- برای اطلاع بیشتر، ک: اورنگ، عبدالحمین: واقعه قتل ناصرالدین شاه، بیضا، سال پنجم، شماره پنجم، (مردادماه ۱۳۳۱ ش)، ص ۲۰۷-۲۱۱
- ۱۷- برای اطلاع بیشتر، ک: علی خان ظهیرالدوله: خاطرات و اسناد ظهیرالدوله، به کوشش ایرج افشار، تهران، انتشارات زوین، ۱۳۶۷ ش، ص ۳۵
- ۱۸- محمدحسن میرزا قاجار: به خاک سپردن ناصرالدین شاه، وحید، سال دوم، شماره سوم (اسفندماه ۱۳۴۳ ش)، ص ۲۳

باتشکر از کلیه همکاران که امکان دستیابی به این سند را فراهم آوردند.

